

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

دوشنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۴ • ۱۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۳ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۴۵ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۲۶ • اذان صبح فردا ۵:۰۴ • طلوع آفتاب ۶:۲۹

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

طنزخوانی

حتی‌الامکان تلفن نزنید



آدین سيار سريع

قدیم‌ها عید که می‌شد پدر و مادر ما گوش‌ی را برمی‌داشتند و شروع می‌کردند به زنگ‌زدن به اقوام دور و نزدیک و رسیدن سال نو را تبریک می گفتند و کسی هم در این قضیه افراط می‌کردند. گاهی فامیل فوق‌الذکر آن قدر دور بود که بعد از نیم‌ساعت صحبت با طرف، فامیل برمی‌گشت می‌گفت ببخشید من به جا نیاوردم، شما (...) کدام (...) بودید؟ ما اینش کاری نداریم. ظاهرا دانشمندان خارجی آمده‌اند بررسی کرده‌اند که چرا نسل زد از تلفن حرف‌زدن اجتناب می‌کند.این قضیه اصلا برای ما تعجب‌آور نیست. ما هم آن قدیم که نسل زد محسوب می‌شدیم (کلا ما هم مثل بقیه درکی از تعریف نسل زد نداریم!) تلفن حرف‌زدن برایمان عذاب‌آور بود.

پدر و مادرمان عیده‌ها زنگ می‌زدند به عمه شوهرخاله همسایه زن سابق دایی بزرگه و پهلو وسط تبریک عید با استفاده از اصل غافلگیری می‌گفتند آدین هم می‌خواهد تبریک بگوید! آخر من چه صحبتی دارم می‌زدند به فامیل پرند خُط می‌گفتند؟ تماس تلفنی با آن بزرگوار؟ حتی خود آن بزگوار هم مایل به هم صحبتی با ما نبود. یک بار یکی‌شان گُفت من اصلا از بچه شما بدم می‌آید، یک بار هم وقتی شما حواس‌تان نبودید یک گوشه‌ای گیرش آوردم و کنکش زدم ولی پدر و مادر ما ول‌کن نبودند. با اینکه وحشت‌زده فرار می‌کردیم ولی بی‌مان می‌دویدند تا سر کوچه و در حالی که نفس‌نفس می‌زدند به فامیل پرند خُط می‌گفتند که فرصت دیگر بهش بدهید، این دفعه روسفیدمان می‌کند! از آنجایی که این اجتناب از تلفن حرف‌زدن از همان موقع روی ما مانده، نسل زد را خوب درک می‌کنیم. در عصری که پیام صوتی و متنی آمده واقعا نمی‌فهمیم تلفن حرف زدن چه لزومی دارد. خود شما آفتاب‌های باری که تلفن حرف زدند به خوشحال شدید کی بوده؟ تماس تلفنی چند حالت بیشتر ندارد، یا طرف زنگ زده که بگوید فلانی هم به رحمت خدا رفته است، یا طلبکار است و پولش را می‌خواهد، یا از خیریه است و می‌گوید پول بریز. یا پیتزا سفلاست و می‌گوید امتیاز بده! شاید الان بگوید فقط اینها نیست و باید کمیاد در چمدان‌ها و جاق‌سلامتانه هم دارد. بنده با این هم مخالفم، مگر دوالییا بهتان زنگ می‌زند که خوشحال می‌شوید؟ فوق فوقش آقای رجبی که تنها ارتباطتان با او این بوده که ۱۰ سال پیش در دستشویی محل کار در جواب درزدن شما گفته «اه» تماس می‌گیرد و با یک لحن صمیمانه که گویی سال‌هاست رفیق قاپریکتان است می‌گوید در بیمارستان بستری شده و باید همین الان صد میلیون بدهد بیمارستان که عملش کنند ولی شما ۱۰ میلیون هم بدهید اوکی است. بعدا می‌فهمید رجبی به بقیه هم‌کاران هم همین‌را گفته و درواقع بیمارستان استعاره‌ای از ساقی موتوری بوده. غرض این است که بگویم حتی‌الامکان تلفن نزنید. اگر هم می‌زنید، صحبت نکنید. مثلا بگویید واتس‌اپت را چک کن. ممنونم.

سبزخوانی

قاجاق زیرزمینی حشرات

فرازو: قاجاق حشرات، برخلاف تصور عموم، یک پدیده کم‌اهمیت نیست. این تجارت زیرزمینی سال‌هاست که در سکوت گسترش یافته و شبکه‌های بین‌المللی از ضعف قوانین و بی‌توجهی به گونه‌های کوچک جانوری برای پیشبرد فعالیت‌های غیرقانونی خود سوءاستفاده می‌کنند. یافتن ملکه‌های مورچه و پروانه‌های کمپاد در چمدان‌ها، نشان‌دهنده شبکه‌ای وسیع است که هزاران گونه را به‌صورت پنهانی جابه‌جا می‌کند. حشرات نقش حیاتی در اکوسیستم‌ها دارند: آنها گرده‌افشانی می‌کنند، مواد آلی را تجزیه می‌کنند، خاک را غنی می‌سازند و بخش مهمی از زنجیره غذایی برای پرندگان، ماهی‌ها و پستانداران هستند. کاهش جمعیت حشرات یا حذف گونه‌های نادر می‌تواند شبکه‌های غذایی را مختل و خدمات اکوسیستم را تضعیف کند. کارشناسان می‌گویند بی‌توجهی به این تجارت کوچک، در بلندمدت به بحران‌های زیست‌محیطی گسترده و حتی تهدید امنیت غذایی منجر خواهد شد.

در تاریخ قانون‌گذاری کشورها، لحظاتی وجود دارد که یک متن قانونی از مجموعه‌ای از کلمات و تکالیف فراتر رفته و به یک مانیفست تحول‌خواه بدل می‌شود. بند (الف) ماده ۷۵ قانون برنامه هفتم توسعه، بی‌تردید پتانسیل چنین جایگاهی را دارد. این بند که با اراده دولت و مجلس انقلابی به تصویب رسیده، صرفاً یک دستورالعمل اداری برای بازآرایی چند سازمان نیست؛ بلکه یک فرصت تاریخی و گران‌بها برای تحقق یکی از کلیدی‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین آرمان‌های قانون اساسی، یعنی «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور» (بند ۱۰ اصل سوم)، در حساس‌ترین حوزه حکمرانی یعنی فرهنگ است. این قانون، شمشیری برنده و مشروح در دستان قوه مجریه قرار داد تا پس از دهه‌ها، سرانجام کالبد فریه، پرهزینه و ناکارآمد بوروکراسی فرهنگی کشور را جراحی کند. اما امروز، در حالی که این شمشیر برنده در غلاف سکوت و بی‌عملی باقی مانده، این امید بزرگ می‌رود که به یاسی عمیق بدل شود و این فرصت طلایی از دست برود. بند الف ماده ۷۵ قانون برنامه هفتم توسعه؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان اداری و استخدامی کشور مکلف‌اند با هماهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و کسب نظر از مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و سایر دستگاه‌های فرهنگی ذی‌ربط به منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور با رویکرد اصلاح ذهنیت، فرهنگ و نرم‌افزار حاکم بر جامعه و با هدف افزایش کارایی و اجتناب از هم‌پوشانی و تداخل مأموریت و وظایف و با رویکرد استقرار الگوی حکمرانی هوشمند، شبکه‌ای، تعاملی، مردم‌پایه، ارزشی و انقلابی تا پایان سال دوم برنامه نسبت به تهیه طرح اصلاح رویکردها، رویه‌ها، روش‌ها و مأموریت، ساختار، وظایف و تشکیلات دستگاه‌های فرهنگی که به نحوی از انحا از بودجه‌های عمومی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم استفاده می‌کنند، اقدام نموده و به تصویب مراجع ذی‌صلاح برسانند.

چرا بند الف ماده۷۵ حیاتی است؟

برای درک عمق اهمیت این قانون، باید از کلی‌گویی فراتر رفت و به زبان اعداد سخن گفت؛ اعدادی که سال‌هاست وجدان عمومی و دغدغه‌مندان فرهنگی را می‌آزارد. طبق آمارهای رسمی مربوط به سال ۱۴۰۰، ساختار فرهنگی کشور از دست‌کم ۱۸ دستگاه با ردیف بودجه مستقیم و ۵۶ نهاد غیرمستقیم که از بودجه عمومی ارتزاق می‌کنند، تشکیل شده است. این مجمع‌الجزایر پراکنده و عظیم، یک اکوسیستم موازی، پرهزینه و غالباً غیرپایخ‌گو را شکل داده که مشخصه اصلی آن، هم‌پوشانی وظایف، اتلاف منابع ملی و فقدان یک استراتژی منسجم است. این نهاده‌ها، در حالی که میلیارد‌ها تومان از منابعی را مصرف می‌کنند که باید صرف زیرساخت‌های فرهنگی، حمایت از هنرمندان مستقل و توسعه کسب‌وکارهای خلاق شود، نهنتها در برابر نهادهای نظارتی و افکار عمومی پاسخ‌گو نیستند، بلکه اغلب در جایگاه «طلبکار

❌ جذابیت و فضای رقابتی موجود در این برنامه چقدر برای شما مطرح بود؟

در برنامه‌های این‌چنینی، جذابیت رقابت برای ما شرکت‌کنندگان چندان اهمیت ندارد. هرچند مخاطبان معمولا

مشتاق‌اند بدانند چه کسی برنده می‌شود یا جایزه می‌گیرد، اما برای ما جنبه سرگرمی و فضای پرنرژی آن مهم‌تر است. حضور در این مسابقه به دلیل خلاقیت سوره، جذابیت اجرا و البته رفاقتم با نیما شعبان‌نژاد و مه‌ران غفوریان بود که از دوستان قدیمی‌ام هستند.

❌ فضای برنامه تا چه اندازه باده‌ه و خلاقانه بود؟

تمام برنامه بر پایه باده‌گویی پیش می‌رفت، هیچ متنی از پیش نوشته نشده بود و تمام گفت‌وگوها و واکنش‌ها در لحظه شکل می‌گرفت. همین ویژگی باعث شد «شِفرونی» تجربه‌ای زنده، طبیعی و جذاب

برای ما و مخاطبان باشد.

❌ نیما شعبان‌نژاد در جایگاه جدید چطور دیدید؟

نیما شعبان‌نژاد مجری و بازیگر است که به‌خوبی باده‌ا را می‌شناسد. پیش‌ازاین در رنالتی‌ی شوهای دیگر، مجری حضور نداشت یا اگر هم بود، تجربه‌ای متفاوت داشتیم. نوع اجرای او و فضایی که ایجاد کرده بود، کیفیت کار را بالا برد. ضمن اینکه پخت غذا در ارتفاع و روی الاکلنگ، موقعیتی خاص و چالش‌برانگیز بود. البته من هم در پخت انواع غذاها تجربه دارم، اما به‌طور خاص در پخت غذاهای لبنانی حرفه‌ای نیستم. البته فلافل غذایی آشنا برای ماست، زیرا در جنوب کشور نیز بسیار رایج است و بارها آن را تهیه کرده‌ام.

❌ خودتان در پخت چه غذاهایی مهارت دارید؟

در تهیه میرزا قاسمی، باقالی قاتوق، کتلت، کوکو، انواع غذاهای سیب‌زمینی و البته غذاهایی که با

مهدی کوهیان

پژوهشگر حقوق ارتباطات و سیاست‌گذاری عمومی

وضعیت فرهنگی کشور» ظاهر می‌شوند. این یک تناقض تلخ و ویرانگر است: دستگاه‌هایی که خود باید متولی و پاسخ‌گوی اصلی باشند، به منتقدان و مدعیانی تبدیل شده‌اند که گویی خود بخشی از این معضل ساختاری نیستند. بند الف ماده ۷۵ دقیقاً برای پایان‌دادن به این چرخه معیوب طراحی شد؛ قانونی که با صراحت اعلام می‌کند دوران هم‌پوشانی، عدم شفافیت، بخشی‌نگری و اتلاف منابع ملی به سر آمده است. این قانون می‌گوید زمان آن رسیده که به جای تکثیر نهاده‌ها، بر کارآمدی و اثربخشی تمرکز کنیم.

اصلاح ساختار برای تضمین حقوق بنیادین شهروندان

باید با دقت توجه داشت که هدف غایی این قانون، صرفاً یک حسابرسی مالی یا یک صرفه‌جویی اقتصادی نیست. این اقدام، در ذات خود، یک جراحی عمیق برای تضمین حقوق ارتباطات شهروندان و تحقق اصل ۲۴ قانون اساسی در باب آزادی بیان است. حذف تشکیلات غیرضرور و اصلاح رویه‌های پیچیده و دست‌وپاگیر، به معنای برداشتن موانع ساختاری از سر راه آزادی بیان، حق دسترسی به اطلاعات متنوع، حق مشارکت فرهنگی و حق انتخاب سبک زندگی فرهنگی است. وقتی ده‌ها نهاد موازی با سلیقه‌های متکثر، قوانین مبهم، آیین‌نامه‌های متناقض و مدیران ناآشنا با روندهای جهانی، بر سر راه یک فیلم‌ساز، یک نویسنده، یک ناشر، یک توسعه‌دهنده بازی‌های رایانه‌ای یا یک کارآفرین فرهنگی قرار می‌گیرند، نتیجه‌ای جز افزایش هزینه‌های تولید، خودسانسوری ویرانگر، فرسایش خلاقیت و در نهایت، تحدید حقوق بنیادین شهروندی نخواهد داشت. بوروکراسی متورم، دشمن شماره یک خلاقیت و نوآوری است. بنابراین، اجرای دقیق و شجاعانه بند الف ماده ۷۵، گامی مستقیم و ضروری در راستای احیای فضای تنفس فرهنگی، بازگرداندن حق تعیین سرنوشت فرهنگی به خود مردم و تقویت جامعه مدنی است.

اصلاح ذهنیت: آزمون بزرگ سیاست‌گذاران فرهنگی

هوشمندانه‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین بخش این قانون، تأکید بر لزوم «اصلاح ذهنیت، فرهنگ و نرم‌افزار حاکم بر جامعه» است. برخلاف تفاسیر سطحی و نگران‌کننده‌ای که این عبارت را به معنای هندسه‌سی فرهنگی جامعه و دخالت در حوزه خصوصی افراد تلقی می‌کنند، معنای عمیق، حقوقی و صحیح آن، ضرورت یک انقلاب درونی در ذهنیت خود سیاست‌گذاران، مدیران و کارگزاران فرهنگی است. این قانون، پیش از آنکه جامعه را مخاطب قرار دهد، خود دولت



محیط‌بانان پایگاه «وارنگه‌رود» هر روز کار پرچالش خود را در سکوت کوهستان آغاز می‌کنند؛ جایی که پایش حیات‌وحش، مقابله با شکار غیرمجاز، کنترل آتش‌سوزی‌های احتمالی و رسیدگی به تخریب زیست‌گاه‌ها، بخشی از وظایف روزانه آنان است. مسیرهای سخت‌گذر، نبود تجهیزات کافی و خطر درگیری با متخلفان، شرایط کاری را دشوار کرده و فشار مضاعفی بر نیروی انسانی محدود این پایگاه وارد می‌کند. عکس: علی شریف‌زاده، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

سکوتی که دیگر جایز نیست

و ساختارهای رسمی را به یک بازاندیشی بنیادین فرا می‌خواند. «اصلاح ذهنیت» یعنی دولت باید بپذیرد که دوران حکمرانی فرهنگی با رویکرد «کنترل‌محور» به پایان رسیده است. این قانون از دولت می‌خواهد که ذهنیت مبتنی بر صدور مجوزهای سلیقه‌ای، نظارت پیشینی حداکثری و مداخله در محتوا را با یک ذهنیت «تسهیلگر»، «پاسخ‌گو»، «شفاف» و «خدمتگزار» جایگزین کند. این یعنی تغییر نرم‌افزار حکمرانی از مدل‌های پیشین به «توانمندسازی و تنظیم‌گری هوشمند». حال سؤال اساسی و مطالبه اصلی اینجاست: از زمان تصویب این قانون تا امروز، چه تحولی در ذهنیت سیاست‌گذاران فرهنگی کشور رخ داده است؟ آیا نشانه‌ای ملموس از تغییر رویکرد از کنترل پیشینی به مسئولیت پسینی دیده می‌شود؟ آیا فرایندهای صدور مجوز برای فعالیت‌های فرهنگی و هنری، شفاف‌تر، سریع‌تر و عادلانه‌تر شده‌اند؟ آیا دولت در عمل نشان داده که به جای تصدی‌گری، به دنبال واگذاری امور به اصناف و نهادهای تخصصی است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، معیار واقعی موفقیت این قانون است، نه صرفاً ادغام دو سازمان با تغییر یک نمودار تشکیلاتی بی‌اثر.

فقط ۵ ماه تا پایان مهلت قانونی

و اما امروز، در حالی که به آبان‌ماه ۱۴۰۴ رسیده‌ایم و تنها حدود پنج ماه تا پایان مهلت قانونی (پایان سال ۱۴۰۴) برای تهیه و تصویب این طرح سرنوشت‌باقی مانده، یک سکوت سنگین، طولانی و نگران‌کننده بر فضای اجرایی کشور حاکم است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان متولی اصلی اجرای این بند، تاکنون نه‌تنها هیچ پیش‌نویسی از این طرح بازسازی انقلابی را برای نقد و ارزیابی در اختیار کارشناسان، رسانه‌ها و افکار وجود ندارد و قرار است در پس لابی‌های پشت پرده «کسب نظر» از نهادهای مدنی، اصناف تخصصی، دانشگاهان و ذی‌نفعان واقعی عرصه فرهنگ و هنر به گوش نمی‌رسد. این بی‌عملی، آن امید بزرگی را که از دل یک قانون مترقی جوانه زده بود، در معرض خشک‌سالی کامل قرار داده است. چگونه می‌توان طرحی برای بازسازی ساختار فرهنگ نوشت، اما صدای اهالی فرهنگ را نشنید؟ این سکوت، این شبانه‌جری را تقویت می‌کند که شاید اراده‌ای برای اجرای واقعی این جراحی وجود ندارد و قرار است در پس لابی‌های پشت پرده و با حفظ منافع ساختارهای موجود، همه چیز به یک تغییر ویرتینی و رفع تکلیف اداری ختم شود. مجلس محترم، قانونی شجاعانه و ضروری تصویب کرده‌اند که می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ حکمرانی فرهنگی ایران باشد. اکنون آزمون بزرگ، اجرای آن است. جامعه فرهنگی و حقوقی کشور، با آمیدی که هنوز به‌طور کامل از دست نرفته، منتظر اقدام فوری، شفاف و مشارکتی وزارت فرهنگ است. توپ در زمین دولت است تا نشان دهد آیا به ابزار تحولی که خود ساخته است، ایمان و اراده عمل دارد یا خیر. زمان به سرعت در حال گذر است و تاریخ درباره این سکوت و تعلل قضاوت خواهد کرد.

گزارش خوانی

فردا موزه بزرگ مصر برای بازدیدکنندگان بازگشایی می‌شود

موزه بزرگ مصر با هزینه یک میلیارد دلار پس از دو دهه در مراسمی باشکوه با مهمانانی از ۷۹ کشور برگزار شد. در این مراسم از دولتمردان سیاسی تا هنرمندان کشورهای مختلف حضور داشتند و به گفته عبدالفتاح سیسی، این موزه «آغاز فصلی تازه در تاریخ امروز و آینده» کشور مصر خواهد بود. قاهره امیدهای بزرگی به این موزه که سال‌ها تعطیل بود بسته است. در بازطراحی این موزه امید به استقبال نسل جوان و گردشگران وجود دارد. این موزه یکی از اهداف اصلی برنامه احیای صنعت گردشگری -حیاتی‌ترین بخش برای اقتصاد آسیب‌دیده مصر- محسوب می‌شود. این موزه میزان ده‌ها هزار شیء است که قدمتشان به بیش از شش هزار سال پیش بازمی‌گردد.

افتتاحیه باشکوه

افتتاحیه این موزه به شکل باشکوهی برگزار شد. حاضران در میدان موزه نشسته بودند. اجرakندگان با لباس‌های سفید همراه با نقش‌هایی الهام‌گرفته از مصر باستان از میهمانان استقبال کردند. ده‌ها اجرakنده با لباس‌های فاخر شبیه فرانعه، با تاج‌های زرین و عصای سلطنتی در دست، موسیقی سنتی نواختند و هم‌زمان نمایش لیزری و آتش بازی، در آسمان شب قاهره برپا شده بود. حاضران در مراسم افتتاحیه شاهد نمایش شگمیری از نور و موسیقی بودند که در پس‌زمینه اهرام مصر بر نمایشگرهای غول‌آسا،پخش می‌شد.

ویژگی‌های موزه

موزه در دامنه‌ای ملایم و مشرف به فلات جیزه، در نزدیکی سیایه اهرام قرار دارد. این مجموعه با پشتیبانی مالی و فنی ژاپن ساخته شده و نزدیک به نیممیلیون مترمربع گسترده‌گی دارد. در داخل، بازدیدکنندگان وارد تالارهایی عظیم و نورگیر می‌شوند؛ با سقف‌های بسیار بلند و دیوارهایی از سنگ‌های به رنگ شن که فضای بیابان اطراف را تداعی می‌کند. در مرکز تالار اصلی، مجسمه ۸۳تنی رامسس دوم قرار دارد؛ فرعونی که ۶۶ سال بر مصر حکم راند. موزه دارای گالری‌های تعاملی، نورپردازی دقیق، نمایش‌های واقعیت مجازی و حتی موزه مخصوص کودکان است.

طبق اعلام مسئولان مصری، این موزه بیش از ۱۰۰ هزار اثر تاریخی را در خود جای داده که نیمی از آنها به نمایش گذاشته می‌شود و این مجموعه را به بزرگ‌ترین گنجینه متمرکز بر یک تمدن در جهان تبدیل می‌کند. یکی از بخش‌های شاخص، آزمایشگاه زنده مرمت آثار است که بازدیدکنندگان می‌توانند از پشت شیشه‌های سرتاسری روند بازسازی «کشتی خورشیدی چهارهزارو ۵۰۰ساله» را تماشا کنند. همچنین مجموعه بیش از پنج هزار شیء متعلق به توت‌انخامون در این موزه برای نخستین بار کنار هم به نمایش درآمده است. بسیاری از آثار از موزه مصر در میدان التحرير منتقل شده‌اند و تعدادی نیز از کاوش‌های اخیر در گورستان‌های باستانی -از جمله سقاره- به این موزه آورده شده‌اند.

امیدهایی برای آینده

قاهره امیدهای زیادی به این موزه بسته است و بخش اصلی طرح کشور برای احیای گردشگری است. آن‌طورکه نخست‌وزیر مصر در افتتاحیه اشاره کرد، این موزه رؤیایی بود که به واقعیت پیوست، هرچند دو دهه برای افتتاحیه آن زمان گذشت. کرونا، درگیری‌های منطقه‌ای، تغییرات سیاسی مصر و... سبب تأخیر در ساخت و آغاز آن شد.

موزه از فردا پذیرای عموم خواهد بود و هزاران اثر که پیش‌تر در سراسر مصر پراکنده بودند اکنون در کنار هم قرار گرفتند. همچنین تالارهای موزه دارای فناوری‌های پیشرفته و ارائه‌های چندرسانه‌ای هستند، تا «میراث جاودان را با خلاقیت قرن ۲۱ برای نسل‌های جدید پیوند دهند». صنعت گردشگری مصر -که منبع مهم ارز خارجی و اشتغال است- طی یک دهه و نیم‌گذشته بارها دستخوش تلاطم شده؛ از انقلاب ۲۰۱۱ تا موج‌های خشونت و حملات تروریستی بعد از آن.

در سال‌های اخیر هرچند نشانه‌هایی از بهبود دیده شده است، ۱۵ میلیون نفر در ۹ ماه نخست سال ۲۰۲۵ به مصر سفر کرده‌اند و ۱۲.۵ میلیارد دلار درآمد ایجاد شده که یعنی حدود ۲۰ درصد افزایش درآمد. مسئولان مصری انتظار دارند پس از افتتاح این موزه سه میلیون نفر دیگر به مصر سفر کنند. دولت امیدوار است موزه سالانه پنج میلیون بازدیدکننده جذب کند. تعداد بازدیدکنندگان اکنون بین پنج تا شش هزار نفر پیش‌بینی شده و امیدوارند این تعداد به ۱۵ هزار نفر در روز برسد.